ردی بر ادعای عدم خلاف در مذاهب عامه؛ متعه

عبارت جناب کاشف الغطاء را می‌خوانید. فرمودند:

> **ينبغي للفقيه إذا حاول الاستدلال على مطلب من المطالب الفقهيّة أن يتّخذ الأدلّة الظنّيّة من الأخبار وغيرها من الطرق الشرعيّة الظنيّة ذخيرة لوقت الاضطرار وفقد المندوحة؛ لأنّه غالباً غنيّ عنها بالآيات القرآنيّة ، والأخبار المتواترة المعنويّة ، والسيرة القطعيّة المتلقّاة خلفاً بعد سلف من زمان الحضرة النبويّة والإماميّة إلى يومنا هذا.[1]**

«ينبغي للفقيه إذا حاول الاستدلال على مطلب من المطالب الفقهيّة أن يتّخذ الأدلّة الظنّيّة من الأخبار وغيرها من الطرق الشرعيّة الظنيّة ذخيرة لوقت الاضطرار وفقد المندوحة؛ لأنّه غالباً غنيّ عنها بالآيات القرآنيّة، والأخبار المتواترة المعنويّة»؛ این کلمه «المعنویه» در عبارت بزرگی مثل کاشف الغطاء خیلی معنا دارد. شما این همه خبر متواتر دارید؟ بله، «المعنویه». قبلاً عرض می‌کردم گاهی ما نص می‌گوییم، یعنی یک حدیث معین، یک آیه معین. اما گاهی که نص می‌گوییم یعنی مستفاد از هزار آیه و روایت با هم. فقیهی که یک عمر همه اینها را دیده، این هم یک نحو نص است. اما نصی که اگر بخواهید روی هر کدام دست بگذارید، «الاخبار المتواترة المعنویة» است. برای اشخاص آگاه به این صورت می‌شود. متواتر معنوی می‌شود. **«والسيرة القطعيّة المتلقّاة خلفاً بعد سلف من زمان الحضرة النبويّة والإماميّة إلى يومنا هذا».**

دیروز عرض کردم این حرف، حرف خیلی خوبی است. حاج آقا مکرر در مقام تأیید با این ادبیات که حاج شیخ جعفر می‌گویند اینها را برای وقت ضرورت بگذارید، می‌فرمودند. اما این حرف با همه این خوبی هایی که دارد، می‌تواند یک درک ابتدائی خامی داشته باشد، اما همین مطلب خوب می‌تواند یک درکی داشته باشد بعد از اینکه سر به سر بحث بگذاریم. کلاس برای همین است. باید سر به سر بحث گذاشت. رفتوبرگشت و مناقشه کردن. دیروز در صدد رفتوبرگشت روی حرف ایشان بودیم. والاً حنفیه و مالکیه این جور نیستند؛ ما بهراحتی بگوییم اینها مذاهب خودشان را می‌دانند! کجا می‌دانند؟! والاً با وجود این اختلافاتشان، بین شاگردانش، برای خود او تبدیل فتوا آمده؛ این جور نیست؛ می‌گویند فتوای اول یا آخر را می‌خواهی!

به گمانم بنابراز[2] مفتی سعودی رساله‌ای دارد که متجاوز از صد صفحه است؛ راجع به متعه بحث کرده است. مقاله خوبی است. اول می‌گوید نزد اهلسنت معلوم است که متعه [نیست بلکه] برای رافض است. ولی بعد می‌گوید از حیث استدلال فقهی بحث سنگینی دارد. صد صفحه بحث می‌کند. این چیزی که یادم می‌آید این است: بعد ائمه فقه را می‌گوید. بعد می‌گوید اما احمد بن

حنبل دو قول دارد. یک قول منقول از او کراهت است. شما می‌گویید حرام است، زنا است، بدعت است، اما احمد امام اهلسنت می‌گوید کراهت دارد. بعد می‌خواهد از این جواب بدهد. منظور در متعه ای که آنها این قدر بحث دارند، خود احمد دو قول دارد. بنباز از او نقل می‌کند و می‌خواهد جواب بدهد.

بنابراین این حرف که بگویی همه آنها مذاهب خودشان را می‌دانند پس ما هم می‌دانیم، واضح نیست و باید از این اختلافات جواب بدهیم.

---

[1] كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء - ط الحديثة نویسنده : كاشف الغطاء، الشيخ جعفر جلد : ۱ صفحه : ۲۱۴

[2] بحث فی متعة النساء لابن باز-کتاب مجموع فتاوی و مقالات متنوعة، ج ۲۰، ص ۲۹۱-۳۹۶

بازبینی #3
ایجاد شده 27 نوامبر 2025 12:55:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 فوریه 2026 14:45:01 توسط ... .